

تاثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران*

**** دکتر عیسی حجت**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۳/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۳/۶

چکیده:

در اولین سال‌های دهه ۱۳۴۰ خورشیدی تغییری در ساختار اجتماعی و اقتصادی روستاهای ایران پدید آمد و نظام دیرپای زمین‌داری دگرگون شد. تا پیش از پیدایش شرایط جدید که در نهایت به اصلاحات ارضی انجامید، دولت‌ها بر درآمد حاصل از تولید کشاورزی متکی بودند.

اصلاحات ارضی در ایران از سویی بخش کثیری از دهقانان را از ستم ارباب رهانید و از سویی دیگر، با حذف مدیریت تولید زراعی و کشاندن سرمایه‌ها از روستا به شهر، افول تولید کشاورزی و مهاجرت به شهرها را باعث گردید.

روستای پس از اصلاحات ارضی تحت تاثیر این پی‌آمدها، به شهر وابسته گشت، الگوی گسترش و معماری شهری را پذیرفت و خزشی تدریجی از موقعیت پیشین به سمت جاده - به مثابه شریان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات شهر - را آغاز کرد. حصارهای درهم‌تنیده پیشین شکسته شد، فضاهای سکونتی شبه شهری وسعت یافت و ورود و استفاده از مصالح و شیوه‌های غیر بومی ساخت و ساز چهره روستا را تغییر داد.

واژه‌های کلیدی:

اصلاحات ارضی، مهاجرت، توسعه بافت روستایی، خزش بافت، سیمای روستایی، مسکن روستایی.

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تاثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران" است که در سال ۱۳۸۳

در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران انجام گرفته است.

E-mail: isahojat@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

مقدمه

تولید و درآمد نبود؛ روستایی دیگر آن انسان بی خبر از جهان نبود که در ردیف گاواهن و خیش، ابزار تولیدش خوانند... انقلابات صنعتی^۱، سیاسی و اجتماعی، دو قطبی شدن جهان، پیدایش نفت، گسترش ارتباطات و بسیاری تحولات دیگر، نظام کهن اقتصاد ارضی و بهره‌کشی از دهقانان را تاریخی کرده بود و اصلاحات ارضی، اتفاقی ناگزیر بود در ایران با تمامی پی‌آمدهایش. یکی از این پی‌آمدها، دگرگونی شکل کالبدی روستاهای ایران بود. روستاهایی که گویی در طول تاریخ منجمد شده و به خوابی عمیق فرو رفته بودند و تحول، واژه‌ای ناشناخته بود از برای آنان. این مقاله نگاهی دارد به تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل کالبدی روستاهای ایران.

هزاران سال پیش از این، آشنایی با رمز و راز رویش گیاهان انسان را زمین‌گیر کرد. کشاورزی آغاز شد و گرد هم آمدن کشاورزان روستاها را پدید آورد.

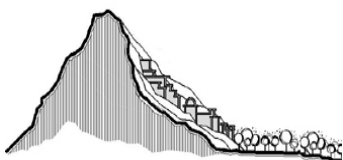
نیاز روستاییان به امنیت و عدالت و معنویت، زمینه‌ساز تشکل حکومت‌ها و ظهور ادیان شد. شهرها پدید آمدند با کاخ و معبد و بازار، تا در مقابل آنچه که از روستایی می‌ستانند او را حمایت کنند و خدمت رسانند.^۱

دیر زمانی این رابطه ادامه یافت. قوام و دوام حکومت‌ها بر خراج و مالیاتی بود که به واسطه‌ی اربابان و مباشران از دهقانان گرفته می‌شد و سفره و صندوق حاکمان را رنگین می‌کرد.^۲ سرانجام، روزگاری نو فرا رسید و جهان دیگرگونه شد. تحولی در اندیشه و سیاست و صنعت و تولید و تجارت و ارتباطات پدید آمد و رابطه‌ی دو سویه‌ی شهر - روستا به تاریخ پیوست. کشاورزی دیگر تنها منبع

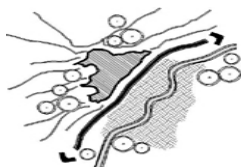
۱- سیر تحول روستاهای ایران:

خراج حاصل از آن، تحول در این نظام نه امکان‌پذیر و نه به مصلحت حکام و پادشاهان بوده است. شکل کالبدی روستا نیز از این نظام اجتماعی - اقتصادی تأثیر می‌پذیرفت. روستا در سخت‌ترین مکان‌ها، روی شیب‌های تند، سنگلاخ‌ها و هر کجا که زمین اجازه کشت و زرع نمی‌داد مستقر می‌شد (تصاویر ۱ و ۲).

در گذشته این تصور که سلطان مالک و صاحب اختیار سرزمین و اهل آنست و می‌تواند اداره و بهره‌کشی از ایالت‌ها را به اطرافیان، صاحب‌منصبان و سردارانش واگذار کند، باعث می‌شد که پیوسته روستا و روستایی در مالکیت کارگزاران حکومتی و اربابان قرار گیرد. "پاداش هواداران و دردانگان فرمانروا، اعطای زمین به آنان بود و مخالفان و دشمنان او با مصادره املاک ایشان تنبیه و تضعیف می‌شدند" (لمپتون، ۱۳۷۷، ۵۲). این مالکین بزرگ که هر یک خود را صاحب اختیار چندین پارچه آبادی و جان و مال مردم آن می‌دانستند، بخشی از درآمد روستا را برداشته و بخشی را به عنوان خراج به خزانه حکومت مرکزی سرازیر می‌کردند. "تحصیل مالیات‌های گوناگون و امر سربازگیری و وصول مخارج سربازان غالباً وسیله ظلم و تعدی فراوان محصلان مالیات به مردم بود" (لمپتون، ۱۳۷۷، ۳۰۹). بدین ترتیب و به علت وابستگی حکومت‌ها به نظام اربابی و



(تصویر ۲- روستای هامانه، یزد)



(تصویر ۱- روستای قهرود، اصفهان)

زندگی در حداقل ممکن و در فضایی محدود و با امکانات کم جاری بود و فضای زیستی صرفاً با استفاده از مصالح بوم‌آورد که توسط خود روستاییان و به شکلی ابتدایی بر هم نهاده می‌شد شکل می‌گرفت (تصویر ۳). لمپتون (۱۳۷۷، ۶۶۹ و ۶۷۱) در این رابطه می‌گوید:

"اتاق‌های خانه‌های دهقانی معمولاً تنگ و تاریک است و خوب تهویه نمی‌شود. بیشتر اتاق‌ها پنجره ندارد."
 "چهارپایان متعلق به خانواده دهقان نیز غالباً در محلی متصل به جایی که اهل خانه در آن به سر می‌برند نگهداری می‌شوند."



(تصویر-۳)
روستای قهرود، اصفهان (نمونه‌هایی
از خانه‌های حداقل)

اصلاحات ارضی با مجموعه‌ی پیچیده‌ای از علت‌ها و پیامدها، نقطه پایانی بود بر نظام دیرپای اربابی که ساختار اجتماعی، فرهنگی، تولیدی و مدیریتی و نهایتاً شکل کالبدی روستا را تحت تأثیر قرار داد.

موقعیت حساس ایران در جهان دو قطبی میانه قرن بیستم میلادی^۶ و چشم طمع دو ابرقدرت شرق و غرب به این سرزمین، یکی از علل اصلی به وقوع پیوستن انقلاب سفید و اصلاحات ارضی حکومتی بود.

نظام ارباب و رعیتی، پیوسته دهقانان ایران را تحت سخت‌ترین شرایط بهره‌کشی نگه داشته و آنان را در ردیف گاوآهن و آب و بذر، جزء مؤلفه‌های تولید به شمار می‌آورد. این وضعیت تا آنگاه که در تعارض با منافع ابر قدرت‌ها قرار نداشت و صرفاً مسئله‌ای داخلی به حساب می‌آمد، نه تنها مورد نقد و تجدید نظر حکومت‌ها قرار نمی‌گرفت، که با تأیید و حمایت آنها نیز روبرو بود. این حمایت از آن جهت بود که خزانه مملکت چشم به مالیات حاصل از تولید کشاورزی داشت (لمپتون، ۱۳۷۷، ۴۵-۴۴).

هم جواری ایران با ابر قدرت شرق - که داعیه حمایت از طبقه کارگر و کشاورز را داشت - و خوف از بروز انقلاب‌های دهقانی در ایران، ابر قدرت غرب را بر آن داشت تا به تعدیل وضعیت معیشتی و انسانی کشاورزان ایران بپردازد. این اندیشه در چارچوب طرحی گسترده - که بعدها به "اصل چهار ترومن"^۷ شهرت یافت - شکل گرفت (رجبی، ۱۳۷۸، ۱۷۱). و حکومت متمایل به غرب ایران را بر آن داشت تا با دست زدن به اصلاحاتی، امکان بالقوه انقلاب دهقانی را در ایران از میان بردارد (آوری، ۱۳۶۸، ۱۷۲). و (رجبی، ۱۳۷۸، ۱۸۶) انقلاب سفید، انقلابی حکومتی بود برای پیش‌گیری از انقلابی مردمی.

۲-۲- اصلاحات ارضی: افول اقتصاد زراعی و

رونق اقتصاد نفتی

"زمین" از گذشته‌های بسیار دور مهم‌ترین و حیاتی‌ترین منبع اقتصادی مردم و حکومت‌ها در ایران بوده است. هرچند که بازرگانی و تولید نیز پیوسته در شهرها و بازارهای ایران در

صحبت از دگرگونی در شکل روستا آنگاه به میان می‌آید که نظام‌های حاکم بر روستا، اعم از سیاسی، اجتماعی، تولیدی و انسانی دستخوش تغییرات شدید قرار گیرد؛ تغییراتی که دگرگونی‌های بسیاری را در نظام استقرار، شکل، بافت و شیوه‌های سکونت و ساخت و ساز روستا باعث می‌گردد.

۲- اصلاحات ارضی:

قانون اصلاحات ارضی در چهارم خرداد ماه ۱۳۳۹ به هیئت دولت وقت ابلاغ شد و این اصلاحات در قالب زفرمی حکومتی تحت عنوان "انقلاب سفید" در دهه ۱۳۴۰ تداوم یافت (فرمان همایونی، ۱۳۵۱، ۲۱). در این رفرم، مالکیت زمین‌های کشاورزی از دست بزرگ‌مالکان و اربابان درآمد و تحت شرایطی به کشاورزان واگذار گردید.

پیش از این، نظام تولید کشاورزی بر پنج بنیان زمین، آب، چهارپا، بذر و کار استوار بود (لمپتون، ۱۳۷۷، ۵۳۶). میرابوالقاسمی (۱۳۵۸، ۵۷) در این رابطه از دو اصل غیرمنقول و (آب و خاک) و از سه اصل منقول (تخم، نیروی کار و گاو) یاد می‌کند. از این میان زمین، آب و گاو چهارپا و بذر از آن مالک بود و کشاورز تنها نیروی بدنی خود را به کار می‌گرفت.^۴ در این نظام آن دسته از زارغانی که بر روی زمینی معین کار می‌کردند حق آب و گلی نسبت به آن زمین داشتند و آنان که چنین وابستگی نداشتند، خوش‌نشینان و آفتاب‌نشینانی بودند که فقط نیروی بدنی خود را به معرض فروش می‌گذاشتند.

در اصلاحات ارضی بسیاری از کشاورزان از طریق خرید قسطی یا اجاره‌های درازمدت مالک زمین‌هایی شدند که پیش از این بر آنها زراعت می‌کردند.^۵ اصلاحات ارضی را نمی‌توان در گرفتن زمین از مالکان و واگذار کردن آن به زارعان خلاصه کرد؛ اصلاحات ارضی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و اهداف آشکار و پنهان بود. علل و اهدافی که در هیاهوی تبلیغات و جدل‌های سیاسی، چندان مورد مذاقه قرار نمی‌گرفت.

۲-۱- اصلاحات ارضی: انقلابی دولتی، برای

پیش‌گیری از انقلابی مردمی

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشت که به مهم ترین آنها اشاره می‌شود:

۳-۱- رونق اقتصاد خدماتی - شهری و افول اقتصاد تولیدی - روستایی

با کنده شدن نظام حکومتی از اقتصاد دهقانی و اتکای آن به اقتصاد نفتی، رابطه دیرینه روستا - شهر در تبادل تولید و خدمات بر هم خورد و تولید کشاورزی به حال خود رها گردید. روستایی که تا این زمان "مجبور" به کار و تولید بود، اکنون "مختار" شده بود که به کار زراعت ادامه دهد یا به دنبال سرنوشتی دیگر به شهر مهاجرت نماید. دهقان مجاز بود تا زمینی را که به او واگذار شده زیر کشت ببرد، تحت شرایطی به دیگران بفروشد و یا در آن خانه بسازد. در ماده بیست و چهارم قانون اصلاحات ارضی به تاریخ چهارم خرداد ماه ۱۳۳۹ آمده است: "... اگر کشاورزی توانایی کار کشاورزی را از دست بدهد می‌تواند زمین خود را به کشاورز دیگری با رعایت مفاد این ماده بفروشد و مراتب را به اداره کشاورزی استان اطلاع دهد" (فرمان‌های پونی، ۱۳۵۱، ۳۶).

پس از اصلاحات ارضی بزرگ مالکان و سرمایه‌داران با علم به اینکه زمین‌هایی را به دهقانان واگذار کرده‌اند که دیگر ارزش استراتژیک ندارد، سرمایه‌های خود را راهی شهر کردند و مؤسسات مالی، خدماتی و صنعتی را بنا نهادند. بسیاری از کشاورزان نیز در پی سرنوشتی دیگر راهی شهر شده و در نقش کارگر ساختمانی، کارگر صنعتی، نگهبان، سرایدار و دست‌فروش و دوره‌گرد به امرار معاش پرداختند. پس از اصلاحات ارضی دیگر این شهر بود که سرنوشت اقتصاد سرزمین را رقم می‌زد.

۳-۲- حذف مدیریت تولید از نظام کشاورزی

در نظام کهن به جهت بهره‌مندی هرچه بیشتر از زمین، مدیریتی سخت و مقتدر از سوی ارباب بر فرآیند تولید اعمال می‌شد. حفر و لای‌روبی قنات‌ها و آبراهه‌ها، حفاظت از زمین‌های کشاورزی و حفظ حریم آنها و ممنوعیت ساخت و ساز در زمین قابل زراعت، تأمین ابزار تولید و بذر، تشکیل بنه‌ها و تقسیم وظایف دهقانان و نیز مدیریت فروش محصول از مواردی بود که تحت نظارت ارباب و توسط مباشران به انجام می‌رسید. این مدیریت، که گاه اعمال آن با خشونت همراه بود^۱، باعث حداکثر بهره‌مندی از آب و زمین و سایر امکانات می‌شد.

حذف مدیریت ارباب و جای‌گزین نشدن مدیریتی نو، به رها شدن زمین‌ها و ساخت و ساز در آنها، لای‌روبی نشدن و ویرانی قنات‌ها، بر هم خوردن گروه‌های تولیدی (بنه) و بسیاری

جریان بوده، ولی از نظر وسعت و شمول، هیچگاه در مقام مقایسه با اقتصاد زراعی و درآمد حاصل از کشاورزی قرار نداشته است (هاشمی، ۱۳۸۰، ۳۵).

یکی از علل وقوع اصلاحات ارضی، جای‌گزین شدن تدریجی درآمد حاصل از فروش نفت به جای درآمد حاصل از مالیات زراعی بود. هرچند که منابع نفتی در ایران سال‌ها پیش از این کشف و مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود ولی تا اواخر دهه ۱۳۲۰ و نهضت ملی شدن صنعت نفت، این "ماده سیاه متعفن" نقش تعیین‌کننده خود را در اقتصاد مملکت نشان نداده بود.^۲ حضور جدی و تعیین‌کننده نفت در اقتصاد ایران در دهه قبل از اصلاحات ارضی حکایت از روزگاری نو داشت، روزگاری که در آن - برای اولین بار - پایداری حکومت و تکیه اقتصادی دولت بر منبعی غیر از زمین قرار می‌گرفت. درآمد سرشار نفت حکومت را از خراج روستانشینان بی‌نیاز می‌نمود و نظام تیول‌داری و بهره‌کشی از زمین را از سکه انداخته و نقش حیاتی کشاورزی را در سرنوشت مملکت بی‌رنگ می‌کرد.

۳-۳- اصلاحات ارضی: ضرورت عصر جدید

فروپاشی نظام‌های فئودالی و اربابی اتفاقی بود که دیر یا زود در تمامی جهان به وقوع می‌پیوست. چنانچه از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۶۳ در ۳۰ کشور جهان اصلاحات ارضی صورت گرفت (احرار، بی‌تا، ۷۱). دوران طولانی حاکمیت نظام ارباب و رعیتی در شرایطی دوام داشت که هیچ‌گونه تغییر و تحرکی در نظام فکری، شیوه‌های اطلاع‌رسانی، ابزار تولید و حمل و نقل و نیازهای دهقانان متصور نبود. روستایی در محیط بسته روستا اسیر سرنوشتی بود که دیگران برای او رقم می‌زدند. قدرت ارباب که پشتوانه حکومت مرکزی را با خود داشت امکان هرگونه دگراندیشی را از دهقان سلب می‌کرد.

پیدایش تدریجی نمودها و نشانه‌های روزگاری نو، مرزهای جهان روستایی را گسترش داده و پایه‌های نظام کهنه را سست می‌کرد. وسایل جدید حمل و نقل، ابزار و آلات مدرن کشاورزی، شیوه‌ها و تجهیزات جدید آبرسانی و آبیاری و از همه مهمتر گسترش ارتباطات و آگاه شدن روستایی از جهان بیرون از روستا، حکایت از آن داشت که دیگر روش‌های مرسوم سال‌ها و سده‌های پیشین فرسوده شده و تغییر در روابط و شیوه تولید، ضرورتی انکارناپذیر است (آشوری، ۱۳۷۶، ۳۲).

۳- پی‌آمدهای اصلاحات ارضی:

صرف نظر از علل و عواملی که منجر به انجام اصلاحات ارضی شد، این اتفاق تاریخی پی‌آمدهایی در زمینه‌های مختلف

تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران

اصلاحات ارضی به مرور از جمعیت تولید کننده (روستایی) کاسته و به جمعیت مصرف کننده (شهری) اضافه شد. در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهری به ۵۰٪ و در سال ۱۳۸۰ به ۶۴/۵٪ جمعیت کل کشور می‌رسد (حبیبی، ۱۳۸۳، ۷).

- تغییر الگوی مصرف، که در مواردی اسراف و تبذیر را جای‌گزین قناعت و صرفه‌جویی می‌کرد.
- تأمین هزینه خرید محصول خارجی از طریق اتکاء به درآمد سرشار نفت.

و این در حالی بود که تفاوت شرایط طبیعی و اقلیمی کشورهای صادر کننده با ایران باعث می‌گردید تا محصول وارداتی بسیار ارزان‌تر از محصول بومی به دست مصرف کننده ایرانی برسد. وابستگی به محصولات بیگانه به حدی بود که روستایی - این تولید کننده سابق - چشم به جاده دوخته بود تا گندم، برنج، روغن، پنیر و سایر مایحتاج خود را از فروشگاه تعاونی روستا دریافت کند.

۳-۴- آغاز عصر مهاجرت و توسعه شهرنشینی در ایران

با متزلزل شدن نظام تولیدی روستا و رونق اقتصاد نفتی در شهر، مهاجرت روستائیان به شهر آغاز شد. روستایی در طلب سامانی نو و درآمدی بیشتر بود و شهر نیازمند نیروی کار جهت توسعه کمی و کیفی.

مهاجرت روستائیان به شهر از دو راه مختلف "مهاجرت جهشی" و "مهاجرت گزینشی" صورت می‌پذیرد. در مهاجرت جهشی روستایی با فروش املاک خود راهی شهر شده و ابتدا در حومه شهر سکنی می‌گزیند و در صورت پیدا کردن فرصت به شهر نقل مکان کرده و شهرنشین می‌گردد.^{۱۲} لیکن مهاجرت گزینشی به تبع فرصت‌ها و امکانات تحصیلی تولیدی و تجاری رخ می‌نماید. روستائییانی که برای کسب مدارج بالای تحصیلی و فرصت‌های شغلی به شهر مهاجرت می‌نمایند پس از کسب این مدارج، جایگاهی برای خود در روستا نمی‌یابند و به ناچار در شهر مانده و یا به سرزمین‌های دیگر - در پی امکاناتی بالاتر - مهاجرت می‌نمایند. این‌گونه "شهرنشینی" باعث خالی شدن روستا از افراد مستعد، ماهر و فرصت‌طلب و تمرکز آنها در شهر می‌گردد.

۴- تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران

در سال‌های پس از اصلاحات ارضی تغییرات چشمگیری در شکل کالبدی روستاهای ایران به وجود آمد. این تغییرات گاه

مسائل دیگر منجر شد، به گونه‌ای که تولید کشاورزی، در نبود مدیریت کارآمد با افتی شدید مواجه شد و دیگر جواب‌گوی نیازهای رو به افزایش سرزمین نبود. به منظور رفع این نقیصه و جای‌گزین کردن مدیریت جامع بر تولید روستایی، هفت سال پس از آغاز اصلاحات ارضی، در چهارم بهمن ماه ۱۳۴۶ قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی به دولت ابلاغ شد. در ماده اول این قانون آمده است:

"به منظور فراهم نمودن موجبات افزایش درآمد سرانه کشاورزان و امکانات همه جانبه برای بکار بردن ماشین‌آلات کشاورزی در امر تولید محصولات کشاورزی و آشنایی زارعین با اصول و شیوه‌های جدید کشاورزی و حداکثر استفاده از نیروی اضافی انسانی موجود در روستاها در قطب‌های کشاورزی و صنعتی مملکت و برای جلوگیری از خردشدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات غیر اقتصادی و افزایش میزان سطح زیر کشت کشور با استفاده از اراضی بایر و موات و مسلوب‌المنفعه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بر اساس وظایف پیش‌بینی شده در ماده یک قانون تشکیل این وزارت به تدریج در واحدهای روستایی مناطق مختلف کشور شرکت‌های سهامی زراعی تشکیل می‌دهد" (فرمان‌هایمونی، ۱۳۵۱، ۱۴۶).

همچنین در بیست و نهم اسفند ماه ۱۳۴۹ قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی با اهدافی مشابه و با تأکید بر تعاونی نمودن تولید به دولت ابلاغ گردید (فرمان‌هایمونی، ۱۳۵۱، ۳۴۳). لازم به ذکر است که این قوانین هرگز نتوانستند خلاء مدیریتی پیش آمده بر اثر اصلاحات ارضی را پر نمایند.

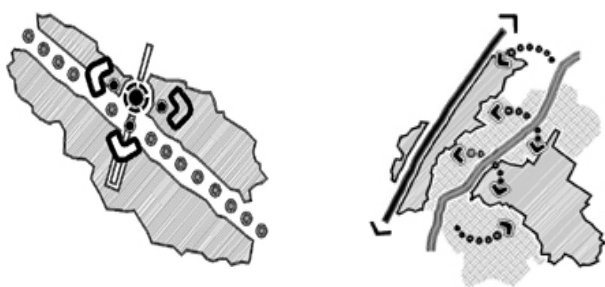
۳-۳- وابستگی به محصولات کشاورزی وارداتی

پیش از اصلاحات ارضی، بنابر دلایل زیر وارد کردن و مصرف محصولات کشاورزی از خارج از کشور امری غیر لازم و غیرمحمول بود:

- تا این زمان دو سوم جمعیت ایران روستایی (یا عشایری) و تولیدکننده بودند و فقط یک سوم جمعیت شهرنشین و مصرف کننده به حساب می‌آمدند.^{۱۱}
 - میزان مصرف سرانه به علت فقر عمومی و قناعت مردم پایین بود.
 - منبع درآمدی (بجز زراعت) برای خرید محصول خارجی متصور نبود.
- پس از اصلاحات ارضی به تدریج ورود و مصرف محصولات کشاورزی و دامی بیگانه در کشور رواج یافت. علل اصلی این دگرگونی را می‌توان چنین برشمرد:
- بر هم خوردن تعادل جمعیت و توسعه شهرنشینی، پس از

روستاها، به ویژه در مناطق مرکزی ایران بوده است. این دسترسی، گاه از طریق نشانیدن بافت در کنار منابع آب همچون رودها و چشمه‌ها و گاه از طریق کشاندن آب به سمت روستا از طریق حفر قنات و چاه و در مواردی نیز از راه جمع‌آوری و ذخیره آب باران در آب انبارها میسر می‌گردید (تصاویر ۴ الی ۶). به این ترتیب بافت روستا اتصال و ارتباطی تنگاتنگ و مستقیم با منابع آب داشت.

(تصویر-۴) روستای نصرآباد، (تصویر-۵) روستای باده، یزد (در کنار آب انبار)
یزد (در کنار رود)



(تصویر-۶) روستای تودشکچوئیه، اصفهان (در کنار قنات)



پیدا شدن تدریجی فن‌آوری و ابزار جدید دسترسی و انتقال آب، همچون موتور پمپ‌ها برای کشیدن آب از چاه و رودخانه، منابع هوایی ذخیره آب و لوله‌کشی، نیاز به اتصال بلافاصل روستا به منابع طبیعی آب را از میان برداشت و بافت روستا اجازه یافت تا در جهت‌های مطلوب (عمدتاً به سمت جاده) حرکتی خزننده را تجربه کند (تصاویر ۷ و ۸).

آن قدر وسیع بود که بافت پیشین، تاریخی شد و روستا شکل و نقشه‌ای جدید پیدا کرد. این تحولات را می‌توان در سه راستای خزش بافت روستا، توسعه‌ی بافت روستا و تغییر چهره‌ی روستا پی گرفت.

۴-۱- خزش بافت

در مقایسه بافت روستاهای ایران پیش و پس از اصلاحات ارضی، حرکتی تدریجی و خزننده از موقعیت تاریخی روستا به سمت جاده قابل مشاهده است. در بیان علل این جابه‌جایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱-۱- وابسته شدن روستا به شهر پس از اصلاحات

ارضی

چنان که پیش از این اشاره شد، یکی از علل وقوع اصلاحات ارضی، ورود جهان به عصری جدید بود. شرایط جدید، که با تأخیری چندین ساله در سرزمین ما شکل می‌گرفت،^{۱۳} حکایت از پایان دوران زندگی نباتی و رکود روستاها داشت؛ روستاهایی که از آموزش و بهداشت و ارتباطات و خدماتی نظیر آب لوله‌کشی و برق محروم بودند. پس از اصلاحات ارضی و در جهت محرومیت‌زدایی از روستاها اقداماتی انجام شد که از آن جمله می‌توان به احداث مدرسه، خانه‌های بهداشت، دفاتر مخابراتی و فروشگاه‌های تعاونی اشاره کرد. این گونه تأسیسات که گردانندگانی شهری - تحت عنوانی چون سپاه دانش، سپاه بهداشت و ... داشت به عللی همچون سهولت دسترسی، سهولت رساندن امکانات ساختمانی و خدماتی و سهولت تملیک زمین عمدتاً در مبادی ورودی روستا و در کنار جاده منتهی به روستا ساخته می‌شد.

محل استقرار و تجمع این بناها که اولین پایگاه‌های تمدن جدید در روستا به حساب می‌آمدند، به تدریج تبدیل به مرکزی برای جذب ساخت و سازهای جدید روستا می‌شد. بدین ترتیب بافت روستا از مرکز سنتی و تاریخی خود - که عمدتاً بر گرد منابع آب شکل گرفته بود - به سوی جاده که اکنون به رگ حیاتی روستا تبدیل شده بود، حرکتی خزننده را پیش می‌گرفت.

۴-۱-۲- ورود تکنولوژی و تغییر شکل وابستگی روستا به منابع آب

دسترسی به آب پیوسته عامل اصلی در مکان یابی و استقرار



(تصویر-۸) روستای کوشکسار، فارس (خزخ بافت روستا به سمت جاده)



(تصویر-۷) روستای خورآباد، قم (خزخ بافت روستا به سمت جاده)

بافت قدیم
بافت میانی
بافت جدید

۴-۱-۳- فرسودگی بافت قدیم و نوسازی تدریجی بافت

چنانکه پیش از این اشاره شد، بافت روستا پیش از اصلاحات ارضی بافتی فشرده و متراکم بود که در زمین‌های لم‌بیزرع مستقر شده و ارباب اجازه ساخت و ساز در اراضی قابل کشت را به رعیت نمی‌داد. پس از اصلاحات ارضی و واگذاری اراضی به کشاورزان، بسیاری از روستائیان خود را از حصارهای تنگ خانه‌های رعیتی رها کرده و در زمین‌های اطراف، اعم از زراعی و غیرزراعی به ساختن خانه پرداختند.

تبصره ماده بیست و چهارم قانون اصلاحات ارضی به طور ضمنی مجوز این ساخت و ساز را برای روستائیان صادر کرده است: "هرگاه زمین‌های تقسیم شده مصرف دیگری غیر از زراعت پیدا نمایند که درآمد آن بیش از کشاورزی باشد، کمیسیون اصلاحات ارضی استان پس از رسیدگی اجازه تجزیه و فروش آن را خواهد داد."

بدیهی است که پیش از اصلاحات ارضی هم - با توجه به روش‌های ابتدایی ساخت و ساز - خانه‌های روستایی پیوسته در حال مرمت و نوسازی بوده‌اند؛ ولی این نوسازی به ناچار در محل استقرار بنا انجام می‌شده و ساخت و ساز و تصرف زمین خارج از بافت مجاز نبوده است. ولی در نوسازی پس از اصلاحات ارضی، به دلیل باز شدن دست روستائیان در انتخاب محل سکونت، بافت قدیم به تدریج رها شده و آنان که از امکانات بیشتری برخوردار بودند خانه‌های جدید خود را خارج از بافت فرسوده و تاریخی روستا بنا می‌کردند. به این ترتیب بافت اولیه روستا به تدریج از سکنه خالی می‌شد و میزان تخریب در آن بالا می‌رفت. این اتفاق مطلوبیت شرایط زیستی را در بافت قدیم کمتر و کمتر می‌کرد و در مواردی این بافت به کلی رها می‌شد و اهالی روستا به سمت نقاط جذب جدید و عمدتاً جاده روی می‌آوردند. این فرآیند، خزخ بافت به سمت جاده و تأسیسات جدیداً احداث را سرعت می‌بخشید.

۴-۱-۴- تغییر در شیوه‌های دفاعی و خروج از حصارها

تا پیش از پیدایش جنگ‌افزارها و شیوه‌های دفاعی جدید بسیاری از شهرها و روستاها در داخل حصارهایی بلند و غیر قابل نفوذ پناه می‌گرفتند. این حصارها بافت را از تعرض مهاجمان و غارت‌گران مصون می‌داشت. با تغییر در

جنگ‌افزارها و شیوه‌های حمله و دفاع و ورود تجهیزات جدید، قلعه‌ها و برج و باروها به تدریج کارایی خود را از کف دادند. تثبیت قدرت حکومت‌های مرکزی و پایان یافتن دوران لشکرکشی‌های قومی و قبیله‌ای نیز ضرورت پناه بردن بافت‌ها به درون حصارها را منتفی می‌کرد. هرچند که این عوامل ارتباط مستقیمی با اصلاحات ارضی نداشت، ولی همزمان و همراه با تحولات اجتماعی وقت و حذف قدرت‌های اربابی باعث شد که حصارها شکافته شده و بافت روستا به خارج از دیوارهای قلعه سرازیر گردد. امروز در بسیاری از روستاها، قلعه - که زمانی آبادی را در خود جای داده بود - به صورت عنصری فرعی، کوچک و مطرود در گوشه‌ای از بافت گسترده روستا آرام گرفته، گاه تبدیل به محل نگهداری دام، گاه محل سکونت افراد مستمند و فرتوت شده و در مواردی هم مخروبه و متروک رها شده است. بافت رهیده از دیوارها و حصارهای پیشین، حرکت خزنده خود را به سوی جاده، این شریان حیاتی روستای امروز آغاز می‌کند.

۴-۲- توسعه بافت

یکی دیگر از تأثیرات اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران توسعه فیزیکی بافت است. هرچند که پس از اصلاحات ارضی بسیاری از روستائیان در جهت دستیابی به آینده‌ای بهتر ترک دیار کرده و به شهرها مهاجرت کردند ولی در همین برهه، به سرعت و به میزان زیادی بر وسعت بافت روستاها افزوده شد. علل این وسعت یافتن ناگهانی را پی می‌گیریم:

۴-۲-۱- دو قطبی شدن بافت

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، احداث تأسیسات جدید خدماتی در کنار شریان‌های دسترسی به روستا منجر به شکل‌گیری نقطه‌ای جاذب و ایجاد مرکزی جدید، در برابر مرکز قدیم روستا شد. دو قطبی شدن روستا باعث گردید تا بافت در حالی از تعلیق میان دو قطب قرار گرفته و با حرکت تدریجی دانه‌ها به سمت مرکز جدید، بافت روستا پوک، تُنگ و متخلخل شود. در این سال‌ها، مرکز قدیم روستا که همچنان از نقاط قوتی همچون چشمه، امامزاده، مسجد، حسینیه، حمام و

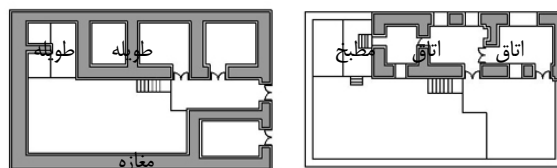
خیابان‌هایی نیز می‌شدند. این پدیده‌ها - با در نظر گرفتن اینکه بناها همچنان یک یا دو طبقه هستند - باعث کم شدن تراکم و پوکی بافت و نهایتاً گستردگی آن می‌شوند.

۴-۲-۳- افزودن سطح اشغال مسکن

از دیگر علل توسعه کالبدی بافت روستاهای ایران پس از اصلاحات ارضی، زیاد شدن سطح اشغال زمین توسط مسکن بود؛ روستائیان که پیش از این در مسکنی فشرده و با تراکم بالا می‌زیستند، اکنون امکان یافته بودند تا خانه‌هایی گسترده‌تر با فضای باز و نور بیشتر داشته باشند. هرچند که بسیاری از این ساخت و سازها در زمین‌هایی انجام می‌شد که می‌توانست زیر کشت قرار گیرد، ولی اشتیاق رهیدن از مسکن‌های رعیتی آنچنان بود که فرصت عاقبت اندیشی به روستایی نمی‌داد. خانه‌ها یکی پس از دیگری ساخته می‌شد و بافت میانی روستا شکل می‌گرفت. بافتی که در آن اطاق، انبار، آغل، اصطبل و طویله از یکدیگر جدا شده و محیطی فراخ‌تر برای زیستن روستایی فراهم می‌کرد (تصویر ۹).



(تصویر ۹- روستای مراء، تهران (نمونه‌هایی از مسکن‌های ایجاد شده در دوره میانی)



خانه کدخدا برخوردار بود به سادگی تسلیم و تخلیه نمی‌شد و مرکز جدید نیز با امکاناتی نو بافت را به سوی خود دعوت می‌نمود. در مطالعه بافت‌های روستایی پس از اصلاحات ارضی مشاهده می‌کنیم که روستا از وضعیت تاریخی خود خارج شده، اراضی جدیدی را - اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی - اشغال نموده و بافتی وسیع و کم تراکم را به وجود آورده است.

۴-۲-۲- ورود اتومبیل به بافت

گفته شد که یکی از علل حرکت خزنده بافت، روی آوردن به سمت جاده و مواهب آن بوده است. بافت قدیم روستاها بافتی فشرده با معابری در مقیاس عبور انسان و دام و عمدتاً نشسته بر زمین‌های شیب‌دار بوده و به راحتی نمی‌توانسته پذیرای ورود اتومبیل به درون خود باشد. بافت پس از اصلاحات ارضی، آنگاه که حصارهای پیشین را می‌شکافت و به اشغال زمین‌های مجاور می‌پردازد، سعی دارد تا خود را با شرایط جدید وفق دهد؛ کوچه‌های ماشین‌رو، پارکینگ تراکتور و ... این بافت همچنین برای پذیرش اتومبیل زمین‌های مسطح و کم شیب را بر اراضی با شیب تند ترجیح می‌دهد. پاره‌ای از این روستاها - در سال‌های بعد - صاحب میدان ورودی، بلوار و

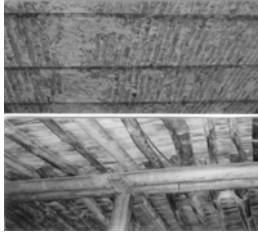
بناهای تخریبی شهر جمع‌آوری شده است در نمای ساختمان نمونه‌هایی از تغییر تدریجی چهره روستا پس از اصلاحات ارضی به شمار می‌آید. (تصاویر ۱۰ و ۱۱) این تغییرات را می‌توان همچنان در ادامه "معماری بدون معمار" پیشین روستا دانست؛ چرا که هیچگونه مبنا و پشتیبانی علمی نداشته و صرفاً محصول انتخاب‌های جدید روستائیان، از مظاهر ساخت و ساز شهری بوده است. در این مرحله تغییراتی نیز در روابط داخلی مسکن پدید می‌آید. این تغییرات از قبیل تعریف فضای مهمان، آشپزخانه مستقل، سرویس‌های بهداشتی و حمام خانگی می‌باشد که از بحث این پژوهش خارج است. مسکن بعد از اصلاحات ارضی - که چهره‌ای ناخوشایند به روستا می‌داد - حکایت از خلأ فرهنگی و علمی در کاربرد مصالح جدید داشت. استفاده از عایق قیر و گونی روی کاهگل را می‌توان به عنوان نمونه‌ای بارز از این مسئله دانست.

۴-۳- تغییر چهره روستا

اصلاحات ارضی بر کالبد و شکل ظاهری ابنیه روستا نیز بی‌تأثیر نبود و تحولاتی را در چهره روستا باعث گردید. بناهای روستا را می‌توان در سه گروه مسکن رعیتی، بناهای خاص و بناهای الحاقی مورد بررسی قرار داد.

۴-۳-۱- مسکن رعیتی

در سال‌های اولیه پس از اصلاحات ارضی تغییر عمده‌ای در شیوه ساخت و ساز مسکن روستایی به وجود نیامد و خانه روستائیان با همان مصالح و شیوه‌های بومی - فقط در ابعادی گسترده‌تر - ساخته می‌شد. به تدریج و بر اثر ارتباط بیشتر روستائیان با شهر، شیوه‌ها و مصالح رایج در شهر تا اندازه‌ای بر ساختار و شکل مسکن روستایی تأثیر می‌گذارد. جای‌گزین شدن آجر به جای خشت برای ساخت دیوار، رایج شدن عایق رطوبتی (قیروگونی) برای پوشاندن سقف و استفاده از در و پنجره‌های فلزی دست دوم که از



(تصویر-۱۱) سهرورد (طاق ضربی به جای سقف‌های تیرپوش)



(تصویر-۱۰) روستای سهرورد، زنجان (پنجره‌های دست دوم شهری به جای پنجره‌های بومی)

۴-۳-۲- بناهای خاص

بناهای خاص در روستا، همچون امامزاده، مسجد، حسینیه، حمام، خانه ارباب و خانه کدخدا عموماً توسط معماران شهری ساخته می‌شد. در این بناها مصالحی بهتر به کار می‌رفت و از قوانین نیارش و ساخت و ساز سنتی پیروی می‌شد. در بسیاری موارد این بناها الگوهایی بودند برای ساخت مسکن رعیتی در روستا.

پس از اصلاحات ارضی تغییر عمده‌ای در این ابنیه مشاهده نمی‌شود مگر هنگامی که نیاز به مرمت و یا بازسازی آنها باشد؛ که در این صورت مصالح و فن‌آوری جدید شهری (تیر آهن، طاق ضربی، پی بتنی، نمای سنگ و آجر سه سانتی و ...) جای‌گزین مصالح و تکنیک‌های پیشین می‌گردد. این جایگزینی از آنجا که عموماً فاقد دید زیبایی‌شناسانه بوده در شکل ابنیه و چهره روستا تأثیر منفی داشته است (تصویر ۱۲).

آغاز شد این بناها که با نقشه و فن‌آوری جدید و توسط متخصصان شهری و در بسیاری موارد بدون توجه به ویژگی‌های اقلیمی و محیطی روستا - ساخته می‌شد، بر چهره روستا به دو طریق تأثیر گذار بود.

اول

آنکه

به

موجب

تضادی

که در

شکل،



شیوه ساخت و مصالح با ابنیه پیشین روستا داشتند، موجب تضاد و دو چهرگی روستا می‌شدند. و دوم آنکه به عنوان بناهایی که پیام‌آور مظاهر تمدن جدید در روستا بودند مورد تقلید قرار گرفته و بر شکل‌گیری مسکن‌های جدید روستا تأثیر می‌گذاشتند. ویژگی‌های عمده این بناها (صرف‌نظر از موقعیت اقلیمی)، استفاده از دیوارهای آجری، سقف شیروانی یا قیرگونی، در و پنجره فلزی، پی و یا شناژهای بتنی و مصالحی دیگر از قبیل موزائیک، کاشی و ... بود (تصویر ۱۳).

(تصویر-۱۳) روستای حسین آباد، اصفهان



(تصویر-۱۲) روستای نسلج، کاشان

۴-۳-۳- بناهای الحاقی

پس از اصلاحات ارضی به تدریج ساخت بناهایی جدید همچون مدرسه، خانه بهداشت، مخابرات و تعاونی در روستاها

نتیجه‌گیری

اسلامی: بافت میانی.
سوم: الحاقات و اصلاحات پس از انقلاب اسلامی: بافت جدید.
می‌توان مرحله‌ی اول را مرحله‌ی معماری ارگانیک، بدوی یا بدون معمار، مرحله‌ی دوم را مرحله‌ی سرگشتگی و بلاتکلیفی یا التقاط

برای مطالعه سیر تحول معماری روستایی ایران می‌توان پیشینه این روستاها را به سه مقطع زیر تقسیم‌بندی نمود:
اول: از پیدایش روستا تا اصلاحات ارضی: بافت تاریخی، بافت قدیم.
دوم: توسعه بدون برنامه روستا پس از اصلاحات ارضی - تا انقلاب

- این اصلاحات در ایران زیر پوشش رفرمی حکومتی و برای پیش‌گیری از انقلاب دهقانی و مردمی صورت گرفت.
- اصلاحات ارضی به عنوان مقطعی سرنوشت‌ساز مبدأ تحولات عمده‌ای در اقتصاد، روابط اجتماعی، مهاجرت، اشتغال، توسعه‌ی شهرنشینی و وابستگی به محصولات کشاورزی بیگانه قرار گرفت.
- اصلاحات ارضی موجب توسعه فیزیکی بافت‌های روستایی و خزش آن از قطب‌های اولیه روستا (آب، امامزاده و ...) به سوی جاده (به عنوان مظهر و ابزار دسترسی به تحولات جدید) گردید.
- اصلاحات ارضی آغاز دگرگونی در شکل کالبدی و چهره روستاها بود و پای مظاهر فن‌آوری جدید ساخت و ساز را با بی‌پشتوانه فنی به روستا باز کرد.

مرحله‌ی سوم را مرحله‌ی معماری جدید، شهری و وارداتی دانست. بدیهی است که صحبت از معماری روستا - بی‌عنایت به زمینه‌ها و زیرساخت‌ها، خالی از اشکال نیست و درک شرایط زمانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روستا شرط هرگونه اظهار نظر و مطالعه در این زمینه‌هاست.

این مقاله کاوشی بود برای درک و تشریح شرایط اجتماعی ایران در گرماگرم اصلاحات ارضی و تشریح تاثیر این اصلاحات بر شکل کالبدی بافت روستاها که امید است نقطه‌ی آغازی باشد بر شناخت دقیق و جامع معماری روستایی ایران.

در پایان به نکات کلیدی پژوهش اشاره می‌گردد:

- اصلاحات ارضی، به معنای گذر از اقتصاد زراعی به اقتصاد سرمایه‌ای - نفتی، پایان بخشیدن به نظام ارباب و رعیتی و پذیرش تحولات عصر جدید، اتفاقی بود که دیر یا زود به وقوع می‌پیوست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ در ارتباط با علل شکل‌گیری شهرهایی در تمدن بین‌النهرین و رابطه آنها با روستاهای اطراف نظیر نگاه کنید به: جیمز موریس، تاریخ شکل شهر، ص ۱۵.
- ۲ نگاه کنید به: ا.ک.س. لمتون، مالک و زارع در ایران، فصل هفدهم: طرز تقسیم محصول و میزان مال‌الاجاره‌ها. همچنین: سید محمد تقی میر ابوالقاسمی، نهضت‌های روستایی در ایران، صص ۶۱-۶۷.
- ۳ جهت آشنایی با تاثیرات انقلاب صنعتی بر کشاورزی نگاه کنید به: تقی نصر، ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت، صص ۴۲-۴۶.
- ۴ میر ابوالقاسمی (۱۳۵۸، ص ۵۷) در این رابطه می‌گوید:
 “به طور کلی کشاورزی ایران بر دو اصل ثابت و غیر منقول (آب و خاک) که متعلق به مالک بوده و سه اصل منقول (تخم، نیروی کار، گاو) قرار داشت. بنابراین عوامل زراعتی می‌توانست به صورت‌های زیر بوده باشد:
 الف. مالک (یا ارباب): کسی که صاحب زمین، آب، بذر و گاو می‌باشد.
 ب. مالک: کسی که صاحب زمین و آب است.
 ج. گاوبند: کسی که صاحب بذر و گاو می‌باشد.
 د. گاوبند زارع: کسی که صاحب بذر و گاو و نیروی کار می‌باشد.
 ه. زارع: کسی که صاحب نیروی کار می‌باشد.
 عمدتاً مقدار تقسیم محصول بر اساس عوامل فوق بوده است.”
- ۵ نگاه کنید به: فرمان همایونی راجع به تقسیم املاک سلطنتی، فصل چهارم مواد ۱۳ و ۱۴ در ارتباط با ارزیابی و پرداخت بها، فصل هفتم مواد ۲۵ و ۲۶ در ارتباط با مقررات مالی، فصل پنجم ماده ۱۸ در ارتباط با مقررات مربوط به تقسیم و تحویل زمین.
- ۶ نگاه کنید به ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، صص ۱۴-۱۶.
- ۷ نگاه کنید به: محمد حسن رجبی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، ص ۱۷۱:
 “مبارزات رهایی‌بخش در چین، ویتنام، کوبا و ... نشان داد که حضور استعمار روابط ظالمانه ارباب و رعیتی و مشکل زمین برای دهقانان ستمدیده و ناراضی در کشورهای جهان سوم، زمینه بالقوه مستعدی برای انقلاب‌های ضد استعماری و کمونیستی خواهد بود. از این‌رو آمریکا از سال‌ها پیش، انجام اصلاحات ارضی را در کشورهای توسعه نیافته استعماری که مبتنی بر تولید کشاورزی بودند تنها راه پیشگیری از سرنوشتی رژیم‌های دست‌نشانده و پیروزی انقلاب‌های کمونیستی در این کشورها می‌دانست.
 به همین دلیل بود که ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در آغاز سال ۱۳۲۹ اصل چهارم خود را پیشنهاد نمود که بر اساس آن آمریکا ظاهراً به وسیله تامین کمک‌های فنی در کشورهای توسعه نیافته و اصلاح وضع اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی این کشورها سعی کرد تا حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی در این کشورها به وجود آورد.”
- ۸ “تاریخ تحولات مهم صنعت نفت در ایران: ۱۲۸۷: حفر اولین اولین چاه و اکتشاف نفت در میدان نفتون مسجد سلیمان. ۱۳۲۹: ملی شدن صنعت نفت. ۱۳۲۳: قرارداد با کنسرسیوم. ۱۳۵۲: قرارداد کنسرسیوم دوم.
 قابل اشاره است که جستجو و اکتشاف نفت در ایران توسط بیگانگان پی‌گیری می‌شد و بسیاری از ایرانیان به ارزش و نقش تعیین کننده این ماده حیاتی (طلای سیاه) آگاهی نداشتند و آن را ماده‌ای سیاه و متعفن می‌دانستند. همچنین تا سال ۱۳۴۴ که تغییراتی در قرارداد به تصویب مجلس رسید ایران نتوانست از درآمد نفت سرمایه‌ای بیاندوزد و مستقلاً در نفت سرمایه‌گذاری کند.
 قانون ملی شدن صنعت نفت بر اصل استوار بود: (الف) شناسایی حق مالکیت ایران بر منابع نفت و گاز و تاسیسات آن. (ب) دستیابی به تصمیم‌گیری و اختیار اداره عملیات. (ج) ورود به بازار جهانی و ارتباط مستقیم با خریداران و مصرف کنندگان و تعیین قیمت نفت.”
- ۹ نگاه کنید به سید احمد احرار، شناخت مسایل روستایی، ص ۷۱:

تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران

“از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۶۳ اصلاحات ارضی در ۳۰ کشور جهان صورت گرفت: ایتالیا، یوگسلاوی، لهستان، چکسلواکی، هندوستان، پاکستان، ژاپن، چین کمونیست، تایلند، مصر، فیلیپین، ترکیه، مکزیک، بلوی، فرمز، یونان، کوبا، عراق، ویتنام جنوبی، ایران، ونزوئلا، رومانی، روسیه، کلمبیا، استرالیا، کاستاریکا، برمه، اسپانیا، پورتوریکو و سوریه.”

همچنین نگاه کنید به سید محمد تقی میرابوالقاسمی، نهضت‌های روستایی در ایران، صص ۲۹-۴۲.

۱۰ نگاه کنید به سید محمد تقی میرابوالقاسمی، نهضت‌های روستایی در ایران، صص ۶۵-۷۲.

۱۱ نگاه کنید به سید محسن حبیبی و زهرا اهری، بررسی تطبیقی دگرگونی جمعیت، خانوار، سکونت و شهرگرایی ایران فرانسه رومانی، ص: ۷.

“در ایران رشد جمعیت شهری تا دهه ۱۳۴۰، رشد بطئی داشته و تحولی آرام را تجربه کرده است. در سال ۱۳۰۰ جمعیت شهرنشین ۲۸ درصد؛ در سال ۱۳۲۰، ۲۹٫۴ درصد؛ و در سال ۱۳۴۰، ۳۴٫۵ درصد بوده است. به عبارتی جمعیت شهری تا سال ۱۳۴۰ یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌داده است.”

۱۲ جهت آشنایی بیشتر با تأثیر اصلاحات ارضی بر مهاجرت روستاییان به شهرها و افزایش کارگران روستایی در شهرها و همچنین نقش شرکت‌های سهامی زراعی در ضبط زمین‌های دهقانان و پیدایش پدیده زاغه‌نشینی در حومه شهرها نگاه کنید به: عبدالعلی لهسایی‌زاده، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، صص ۲۷۸-۲۸۷.

همچنین جهت اطلاعات بیشتر در زمینه حاشیه‌نشینی نگاه کنید به: علی حاج یوسفی، حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، صص ۱۳-۱۶.

۱۳ نگاه کنید به سید محسن حبیبی و زهرا اهری، بررسی تطبیقی دگرگونی جمعیت، خانوار، سکونت و شهرگرایی ایران فرانسه رومانی، ص: ۷.

“ایران بعد از دهه ۱۳۴۰ شاهد تحرک جمعیتی و تمرکز شهری ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها به ویژه شهرهای بزرگ شد. این تحرکات سبب شد که جمعیت شهرنشین در سال ۱۳۵۷ نیمی از جمعیت کشور را شامل شود. ولی از دهه ۱۳۶۰ به بعد (۱۹۸۰ میلادی به بعد) نرخ شهرنشینی پیشی گرفته است و شتاب بی‌سابقه‌ای می‌یابد (در سال ۱۳۸۰، ۶۴٫۵ درصد جمعیت شهرنشین بوده‌اند). سیل مهاجرت از روستا به شهر در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ گسترده‌تر شد که خود نشان از شتاب یافتن فرآیند مدرنیزاسیون اجتماعی و به تبع آن گسترش شهرنشینی دارد.

در فرانسه روند مهاجرت به شهرهای بزرگ تا دهه ۱۹۷۰ به سمت مناطق کلان شهری بوده است، اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد شاهد کاهش رشد جمعیت، کاهش عمومی تحرکات جمعیتی و تغییر توزیع مقصد مهاجرین هستیم به ترتیبی که مناطق مهاجرپذیر دیگری پدیدار می‌شوند. ... که این پدیده ناشی از مراحل پیشرفته‌تر مدرنیزاسیون جامعه است که به عدم تمرکز شهری انجامیده و سبب شده که فرانسه کم کم به کشوری متشکل از شهرهای کوچک و متوسط تبدیل شود.

در ایران که در مراحل پایین‌تری از مدرنیزاسیون جامعه است، شتاب رشد کلان شهرها و شهرهای بزرگ هنوز نسبت به شهرهای دیگر بسیار بالاتر است.”

فهرست منابع:

آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، “ما و مدرنیت”، موسسه فرهنگی صراط، تهران.
 آوری، پیترو (۱۳۶۸). “تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ تا اصلاحات ارضی”، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، مطبوعاتی عطایی، تهران.
 احرار، سید احمد (بی تا)، “ساخت مسایل روستایی”، نوبل بیتا، تبریز.
 بدیعی، ربیع (۱۳۶۲)، “جغرافیای مفصل ایران”، نشر اقبال، تهران.
 حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱)، “حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)”، نشریه هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهر، سال سوم شماره هشتم، تهران.
 حبیبی، سید محسن. اهری، زهرا (۱۳۸۳)، “بررسی تطبیقی دگرگونی جمعیت، خانوار، سکونت و شهرگرایی ایران، فرانسه، رومانی”، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، دانشگاه تهران، تهران، صص ۱-۱۰.
 رجیبی، محمد حسن (۱۳۷۸)، “زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ویرایش چهارم)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
 “فرمان همایونی راجع به تقسیم املاک سلطنتی” (۱۳۵۱)، انتشارات وزارت تعاون و عمران روستاها، تهران.
 لمتون، ا.ک.س. (۱۳۷۷)، “مالک و زارع در ایران”، ترجمه منوچهر امیری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۹)، “تحولات اجتماعی در روستاهای ایران”، نشر نوید، شیراز.
 میرابوالقاسمی، سید محمد تقی (۱۳۵۸)، “نهضت‌های روستایی در ایران”، شرکت سهامی انتشار، تهران.
 نصر، تقی (۱۳۶۳)، “ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت”، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران.
 هاشمی، مرتضی (۱۳۸۰)، “قوانین و قراردادهای نفتی در ایران”، ماهنامه نفت و گاز و پتروشیمی، شماره ۱۱، تهران.

* این پژوهش همچنین مبتنی است بر نتایج حدود ۵۰۰ پروژه درس روستا (مونوگرافی و طراحی) که از سال ۱۳۶۲ تاکنون توسط دانشجویان رشته معماری پردیس هنرهای زیبا تهیه و توسط نگارنده راهنمایی و هدایت شده است.